آموزش شاگردان برای آموزش
جلسه ۲: شاگردی چیست؟ (۲الف)

ارائه شده توسط ران لایولی، BiblicalMentoring.org – M.A. ،M.Div. (مطالعات)

مرحله ۱: دعای آغازین

مرحله ۲: هر نفر آیه خاطره را نقل می کند: **لوقا ۹:۲۳-۲۴**
۲۳ و به همه گفت: «اگر کسی به دنبال من بیاید،
بگذار خودش را انکار کند و هر روز صلیبش را بردارد و دنبالم بیاید.
۲۴ زیرا هر که بخواهد جانش را نجات دهد، آن را از دست خواهد داد،
اما هر کسی که به خاطر من جانش را از دست بدهد نجاتش می دهد.

مرحله ۳: *فصل کتاب مقدس را بخوانید و بحث کنید – **لوقا ۹***

مرحله ۴: سؤالاتی برای درخواست های شخصی و/یا بحث های گروهی:

1. چه چیزهایی می توانیم درباره شاگردی از سقراط و افلاطون بیاموزیم؟
2. دو مؤلفه اساسی شاگردی چیست؟
3. در چه مرحله ای از مسیر مسیحی تان شاگرد می شوید؟
4. بحث کنید که چگونه یک فرد هرگز نمی تواند هدیه نجات خدا را از شاگرد بودن و در نتیجه سازنده شاگرد بودن جدا کند.

مرحله ۵: *محتوای کتاب را بخوانید و بحث کنید:*

فصل ۲الف به گفته نویسنده – کیت فیلیپس:

در دوران طلایی یونان، افلاطون جوان را می شد دید که در خیابان های آتن قدم می زد و به دنبال استادش می گشت: سقراط کهنه، پابرهنه و درخشان. احتمالا اینجا آغاز شاگردی بود. سقراط هیچ کتابی نمی نوشت. شاگردانش با دقت به هر کلمه ای که می گفت گوش می دادند و هر کاری که برای آموزش دیگران انجام می داد را زیر نظر داشتند. ظاهرا این نظام کار می کرد؛ افلاطون بعدها آکادمی را تأسیس کرد که فلسفه و علم به مدت ۹۰۰ سال در آن تدریس می شد.

عیسی رابطه مشابهی با مردانی که آموزش داده بود برای گسترش پادشاهی خدا داشت. شاگردانش سه سال روز و شب با او بودند. آن ها به موعظه های او گوش می دادند و تعالیم او را حفظ می کردند. آن ها زندگی او را که آموزش می داد، می دیدند. سپس، پس از عروج او، شاگردان کلمات مسیح را به دیگران سپردند و آن ها را تشویق می کردند که سبک زندگی او را بپذیرند و از تعالیم او پیروی کنند. شاگرد شاگردی است که کلمات، اعمال و سبک زندگی معلم خود را حفظ می کند تا برای آموزش دیگران آماده شود.

شاگردسازی مسیحی رابطه ای معلم و شاگرد است که بر اساس الگوی مسیح و شاگردانش بنا شده است، که در آن معلم کمال زندگی خود در مسیح را به گونه ای خوب در شاگرد بازتولید می کند که دانش آموز قادر است دیگران را برای آموزش دیگران آموزش دهد.

مطالعه دقیق آموزه ها و زندگی مسیح نشان می دهد که شاگردی دو مؤلفه اساسی دارد: مرگ خود و تولید مثل. آن ها کلیدی ترین بخش خدمت عیسی هستند. او مرد تا بتواند زندگی جدیدی را بازتولید کند. و او از هر یک از شاگردانش می خواهد که از الگوی او پیروی کنند.

خودمرگ

دعوت مسیح به شاگردی، فراخوانی به مرگ خود، تسلیم مطلق به خداست. عیسی گفت: «... اگر کسی می خواهد پس از من بیاید، بگذار خود را انکار کند و هر روز صلیب خود را بردارد و مرا دنبال کند. زیرا هر که بخواهد جان خود را نجات دهد، آن را از دست خواهد داد، اما هر که جان خود را به خاطر من از دست بدهد، او آن را نجات خواهد داد» (لوقا ۹:۲۳، ۲۴).

از دیدگاه جهانی، صراحت مسیح در فراخواندن مردم به پیروی از خود افراطی به نظر می رسد. امروز اگر کسی بخواهد چنین سبک زندگی پرتقاضایی را «بفروشد»، تعهدی همه جانبه است، احتمالا پیشرفته ترین شرکت مدیسون اونیو را به کار می گیرد تا مزایای باشکوه چنین تصمیمی را با دقت در یک بروشور

تمام زندگی‌توصیف کند. یا بازیگر بسیار جذاب را استخدام می کند و او را با «افراد زیبا» احاطه می کند که آشکارا از رضایت و شادی زندگی‌جدیدشان در مسیح لذت می برند. سپس جادوی لحظه را روی نوار ویدئویی ضبط می کند که امیدوار است در نیمه وقت «فوتبال دوشنبه شب» پخش شود.

اما عیسی صادق و مستقیم است: برای شریک شدن در جلال او، انسان باید ابتدا در مرگ او شریک شود.

عیسی خداوند خدایان و پادشاه پادشاهان است. و خداوند جهان به هر انسان فرمان می دهد که از او پیروی کند. دعوت او به پطرس و اندریوس (متی ۴:۱۸، ۱۹) و به یعقوب و یوحنا (متی ۴:۲۱) یک فرمان بود. «دنبالم بیا» همیشه فرمان بوده، هرگز دعوت (یوحنا ۱:۴۳).

عیسی هرگز از کسی التماس نکرد که از او پیروی کند. او به طرز شرم آوری رک و راست بود. او زن کنار چاه را با زنایش روبرو کرد، نیکودیموس را با غرور فکری اش و فریسیان را با خودبرتربینداری شان روبرو کرد. هیچ نمی تواند «... توبه کن، زیرا پادشاهی آسمان نزدیک است» را به عنوان التماس تفسیر کند (متی ۴:۱۷). عیسی به هر فرد فرمان داد که از پیگیری های خودخواهانه دست بکشد، گناه خود را رها کند و کاملا از او اطاعت کند.

وقتی حاکم جوان و ثروتمند از فروش همه چیز و پیروی از او خودداری کرد (متی ۱۹:۲۱)، عیسی به دنبال او نرفت تا به توافق برسد. او هرگز استاندارد خود را تضعیف نکرد. عیسی به سادگی‌گفت: «هر که به من خدمت کند، باید از من پیروی کند ...» (یوحنا ۱۲:۲۶ NIV).

عیسی انتظار اطاعت فوری داشت. او هیچ بهانه ای را نپذیرفت (لوقا ۹:۶۲). وقتی مردی برای اولین بار خواست پدرش را قبل از پیروی از مسیح دفن کند، به او گفت: «دنبال من بیا؛ و بگذار مردگان مردگان خود را دفن کنند» (متی ۸:۲۲ KJV). هیچ به خاطر اطاعت از فرمان مسیح برای پیروی از او و شاگردی ستایش نمی شد؛ این انتظار می رفت. عیسی گفت: «پس شما نیز وقتی همه آنچه به شما دستور داده شده انجام می دهید، بگویید: 'ما بردگان نالایق؛ ما فقط آنچه را که باید انجام می دادیم' انجام داده ایم» (لوقا ۱۰:۱۷).

پس چه زمانی مسیحی می شوی، شاگرد مسیح؟ وقتی در راهرو قدم می زنی؟ وقتی در محراب زانو می زنی؟ وقتی صادقانه گریه می کنی؟ لزومی ندارد. پیروان اولیه مسیح زمانی شاگرد شدند که از او اطاعت کردند، وقتی «بلافاصله کشتی و پدرشان را ترک کردند و او را دنبال کردند» (متی ۴:۲۲). [1]

اطاعت از فرمان مسیح، «دنبالم بیا»، منجر به مرگ خود می شود. مسیحیت بدون مرگ خود تنها یک فلسفه انتزاعی است. این مسیحیت بدون مسیح است.

شاید بنیادی ترین اشتباهی که بسیاری از مسیحیان مرتکب می شوند این است که دریافت نجات را از شاگردی جدا می کنند. آن ها آن ها را در سطوح مختلف بلوغ مسیحی قرار می دهند، با این فرض که نجات یافتن بدون تعهد به خواسته های رادیکال تر عیسی، مانند «برداشتن صلیب و پیروی از او» قابل قبول است (متی ۱۰:۳۸).

این فرض بر باور نادرستی استوار است که نجات در درجه اول برای منفعت انسان است – خوشبخت کردن او و جلوگیری از نابودی ابدی.
(صفحات ۱۵-۱۸a)

مرحله ۶: *با به اشتراک گذاشتن درخواست های دعای شخصی و دعا کردن هر فرد برای درخواست های دیگر پایان دهید.*

منبع: ساخت یک شاگرد نوشته دکتر کیت فیلیپس. انتشارات شرکت فلمینگ اچ. رول، ۱۹۸۱. شابک 0-8007-1181-5. مقدمه از رابرت ای. کولمن. محتوا (به جز سوالات مطالعه) بدون بازبینی از کتاب گرفته شده است.

20261011 بازنگری شده